



Nomination and Categorization in the Social-Political Poems of Farrokhi Yazdi Based on the Model of Van Leeuwen's Social Agents

Mohammad Kishanifarahani¹ Manoochehr Akbari²

1. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, Tehran, Iran. E-mail: m.kishani@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: makbari@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article
(P 21-44)

Article history:

Received:
31 August 2022

Received in revised form:
26 December 2022

Accepted:
22 January 2023

Published online:
15 March 2023

ABSTRACT

The literature of the constitutional era is a mixture of socio-political conditions of the society. Poets and writers present their poems or writings to the audience based on the events of the day, either as critic, advocate or opponent. The literature study of this era is of paramount importance aligned with social and political changes to get basic texture reading, and is an excellent source for analysis and investigation in the field of sociological-semantic studies. Farrokhi Yazdi is one of the poets of turbulent times of constitutional era who dedicated his poetic talent to the service of social goals and concerns and his poems are full of social and folkly themes. Diversity of social and national concepts in Farrokhi Yazdi's poems require an analysis of its discourse with a society-oriented perspective. Discourse criticism according to Van Leeuwen's model is helpful in better understanding the ideology and value system governing the poems' text, as well as understanding Farrokhi Yazdi's intellectual and social views in the constitutional era. The result of this research is not only the linguistic interpretation of Farrokhi Yazdi's poems, but also the interpretation of the society in which this freedom-loving poet lived and struggled with its crises and difficulties. In this research, it is assumed that social-political poems of Farrokhi Yazdi contain discourse-oriented components that can be analyzed and examined by Van Leeuwen's model. This study is done in order to discover the position of social agents and how they are depicted in the poems of Farrokhi Yazdi. In Van Leeuwen's model, the text is not examined from the perspective of formalism, but rather the impact of social issues on the text. In this model, each text expresses the social intellectual views or the specific class of the writer or poet. The degree of utilization of power sources has a direct effect on the openness and concealment of the text in such a way that the greater access to power sources, the franker and more transparent the text and the social agents are displayed in an active manner, and the lower access to power sources, the image of social agents is more covered. Although, in Van Leeuwen's approach, sociological components are preferred over linguistic, but the analyst is still bound to use linguistic components. This is because the foundations of social functions are in language and words are linked with meaning. The current research has taken advantages of the application of nomination and categorization in the discourse approach of Van Leeuwen's social agents. This research seeks to show the result of using these two components in Farrokhi Yazdi's poems and rereading them in his social-political thought system. Based on this, in the first step, verses that have social-political contexts were selected. In the following, discussed components were marked in every verse and the application rate and statistic of the components were determined. The result of the study show that Farrokhi has paid much attention to deliver social matters indirectly and in a hidden way due to the asphyxiation and mutes of the era. Highest frequency based on the numbers of occurrences respectively, is assigned to the components of negative appraisal, classification, nomination and functionalization.

Keywords:

Critical Discourse Analysis, Social Agents, Van Leeuwen, Nomination, Categorization, Farrokhi Yazdi.

Cite this article: Kishanifarahani, Mohammad and Manoochehr Akbari (2023), "Nomination and Categorization in the Social-Political Poems of Farrokhi Yazdi Based on the Model of Van Leeuwen's Social Agents", *Persian literature*, Vol: 12, Issue: 2, Ser.N: 30, 21-44,



[10.22059/jpl.2023.347065.2097](https://doi.org/10.22059/jpl.2023.347065.2097)

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://jop.ut.ac.ir/>



«نام‌دهی و طبقه‌بندی» در اشعار سیاسی-اجتماعی فرخی یزدی براساس الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون

محمد کیشانی فراهانی^۱ | منوچهر اکبری^۲ ✉

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.kishani@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: makbari@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (ص ۲۱-۴۴)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴</p>	<p>ادبیات عصر مشروطه با مسائل سیاسی و اجتماعی حاکم بر فضای جامعه آمیختگی شدیدی دارد. شاعران و نویسندگان بر مبنای رویدادهای روز در مقام منتقد، طرفدار یا مخالف وقایع، اشعار و نوشته‌هایشان را به مخاطبان خود عرضه می‌کنند. بررسی ادبیات این روزگار همسو با تحولات اجتماعی و سیاسی این دوره برای دریافت خوانشی بافت مینا حائز اهمیت است و منبع مناسبی برای تحلیل و بررسی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی - معنایی محسوب می‌شود. فرخی یزدی از جمله شاعران دوران پرهیاهوی مشروطه است که ذوق و طبع شاعرانه خود را در خدمت اهداف و دغدغه‌های اجتماعی زمانه خود قرار داده و سروده‌هایش سرشار از مضامین اجتماعی و مردمی است. تعدد مفاهیم اجتماعی و میهنی در اشعار فرخی یزدی، تحلیلی گفتمان‌کاوانه با نگاهی جامعه‌محور را می‌طلبد. بر این اساس پژوهش حاضر از کاربرد مؤلفه‌های «نام‌دهی و طبقه‌بندی» در رویکرد گفتمانی کارگزاران اجتماعی ون لیوون بهره گرفته است. این پژوهش در پی نشان دادن برآیند استفاده از این دو مؤلفه در اشعار فرخی یزدی و بازخوانی آنها در نظام اندیشه سیاسی-اجتماعی اوست. بر این مینا در گام اول ابیاتی که دارای زمینه‌های سیاسی-اجتماعی است، انتخاب شدند؛ در ادامه مؤلفه‌های مورد بحث در هر بیت مشخص گردید و میزان کاربست و بسامد آماری مؤلفه‌ها معین گشت. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فرخی متناسب با شرایط خفقان عصر خود بیشتر به مؤلفه‌های پوشیده‌گویی توجه داشته است و بیشترین بسامد براساس تعداد رخداد به ترتیب به مؤلفه‌های ارزش‌گذاری منفی، هویت‌نمایی مقوله‌ای، نام‌دهی و کارکردنمایی تعلق می‌گیرد.</p> <p>تحلیل گفتمان انتقادی، کارگزاران اجتماعی، ون لیوون، نام‌دهی و طبقه‌بندی، فرخی یزدی.</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p>	

استناد: کیشانی فراهانی، محمد و منوچهر اکبری (۱۴۰۱)، «نام‌دهی و طبقه‌بندی در اشعار سیاسی-اجتماعی فرخی یزدی براساس الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون»، *ادب فارسی*، دوره ۱۲، ش ۲، پیاپی ۳۰، ۲۱-۴۴. [10.22059/jpl.2023.347065.2097](https://doi.org/10.22059/jpl.2023.347065.2097)



۱. مقدمه

ادبیات دوره مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ادبیات ایران محسوب می‌شود. در عصر مشروطه تغییرات بنیادینی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمد. ادبیات نیز به عنوان بخشی از نهاد فرهنگی جامعه در این دوره، دچار تغییر و تحولاتی اساسی شد. مهم‌ترین شاخصه ادبیات عصر مشروطه، توجه شاعران و نویسندگان به اوضاع و احوال جامعه و بازنمایی شرایط سیاسی و اجتماعی در متون آن روزگار است. تعدد عناصر اجتماعی و سیاسی در اشعار شاعران مشروطه سبب شد تا مقاله حاضر در پی موضوعی میان‌رشته‌ای با تکیه بر مباحث جامعه‌شناختی-معنایی در اشعار فرخی یزدی برآید و به تحلیلی گفتمان‌کاوانه با نگاهی جامعه‌محور برای درک بهتر ویژگی‌های ادبیات این دوره بپردازد. دوره‌ای که «هم از نظر اجتماعی و هم از نظر ادبی یکی از پیچ‌های مهم تاریخی و نقطه عطف بسیاری از تحولات اجتماعی و ادبی امروز است» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۲۹۴).

مطالعه زبان و صورت بیان شاعران دوره مشروطه، تنها از طریق تحلیل آن‌ها در بستر جامعه و شکل ارتباط ادیبان با مخاطب و همچنین اصحاب قدرت میسر است. ادبیات دوره مشروطه از نظر مباحث بلاغی و زیبایی‌شناسی شاید بضاعت کمتری نسبت به دوره‌های قبل داشته باشد اما از نظر پرداختن به مباحث اجتماعی و سیاسی، غنی و پربار است. «ادب و شعر مشروطیت برخلاف دیگر ادوار ادبی زبان فارسی حاصل یک دگرگونی بنیادی است، عامل تغییرات در ساختمان اجتماعی عصر مشروطیت عاملی است همه جانبه و محسوس» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۲۷).

شعر مشروطه آینه تمام‌نمای جامعه، زندگی مردم و مبارزه بوده است. در دوره مشروطه، شعر مخاطب فراوانی به خود جذب کرده بود، از بی‌سواد و با سواد گرفته تا کوچه بازاری و فرهنگی. شاید بتوان گفت عصر مشروطه تنها دوره‌ای باشد که مردم سراغ سروده‌های جدید شاعران را می‌گرفته‌اند. علت این مسئله را می‌توان در واقع‌گویی و بیان اتفاقات جامعه توسط شاعران جستجو کرد. به عبارتی شعر دوره مشروطه، خاستگاهش مردم و موضوعش مسائل روز و لحظه لحظه زندگی اجتماعی است. «شعر دوره مشروطیت از لحاظ نقد مسائل اجتماعی و تاریخی ایران نه مقدم دارد و نه تالی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۶۵). در دوره مشروطه، شاعران همگام با مردم مبارزه می‌کردند و با شعرهایشان که نمایانگر انقلاب بود راه را بر آنها نشان می‌دادند. همین امر باعث شد بیش از هر دوره دیگری به مردم نزدیک و وابسته باشند. «خلف‌ترین شاعران این دوره آنانی هستند که به مقتضیات سیاسی و اجتماعی و ضرورت‌های تاریخی زمان خود پاسخ مناسب داده‌اند شاعرانی چون اشرف‌الدین حسینی، عشقی، عارف قزوینی، فرخی یزدی و لاهوتی از این زمره‌اند» (آجودانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

فرخی یزدی یکی از پیشگامان تغییر در عصر مشروطیت است. «او نخستین مبلغ معنای سیاسی و اقتصادی عدالت در شعر فارسی است. مفهومی که در غزل او با مضامین همیشگی شعر مشروطه همسرایی دارد» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۲۶). فرخی در اشعار خود به بررسی و نمایش مهم‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی روزگارش پرداخته است. «اکثر اشعار فرخی دارای مضامین زنده و

نیشداری است دربارهٔ وضع حکومت ایران، اولیای دولت، نمایندگان مجلس و نخست وزیرانی که دایم در حال تغییر و تحول اند» (آرین پور، ۱۳۷۵: ۳/۵۰۸).

دیوان اشعار فرخی یزدی مملو از اشعار سیاسی اجتماعی است که نمایانگر روزگاری پر فراز و نشیب است. «مجموعهٔ اشعار فرخی ترانهٔ آزادی و برادری، پیکار با بیگانه پرستی و نادرستی و اعتراض شدید بر ضد تمام سازمان‌های سیاسی اجتماعی است که سیاست‌های استعماری امپریالیسم را بر دوش ملت‌ها تحمیل کرده‌اند» (همان). فرخی قسمت اعظم اشعار خود را در خدمت مردم فقیر جامعه قرار داده است. «در پهنهٔ سیاست مبارزهٔ فرخی اصولی‌تر و حساب شده‌تر است. رفتار او براساس منافع توده‌های فقیر و براساس اصل حاکمیت ملت است» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۳۳). مبارزه با استبداد، تلاش برای آزادی و توجه به طبقهٔ کارگر و دهقان از جمله بن‌مایه‌های اشعار اوست. فرخی را باید شاعر آزادی‌نمید. او که «سختی‌ها و تلخی‌های زندگی او حد و حسابی ندارد در صحبت از آزادی به هیچ وجه لاف نمی‌زند و گزاف نمی‌بافد» (اژند، ۱۳۸۴: ۹۰). گرایش فرخی به بیان مشکلات و سختی‌های طبقهٔ فرودست تنها بخاطر دهقان‌زاده بودن و برخاستن از میان قشر ضعیف جامعه نیست بلکه اندیشه‌های سوسیالیستی علت اصلی حمایت او از طبقات فقیر جامعه است که به صورت نام‌دهی کارگر و دهقان، بیان تقابل طبقهٔ فرودست و طبقهٔ مرفه و پرداختن به عدالت و برابری نمایان می‌شود. فرخی: «از نخستین کسان بود که فرهنگ لغات پرولتاری را در آثارش جولان داد و کوشید کلیات مکتب سوسیالیسم را در غزل‌هایش به زبانی ساده تعلیم و تبلیغ کند» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۱۸).

با اینکه عصر مشروطه عصر غزل‌گویی در مفهوم کلاسیک آن نیست اما فرخی این قالب شعری را برای بیان مضامین اجتماعی-سیاسی به کار می‌برد. در واقع بخش قابل توجهی از اشعار فرخی غزلیات سیاسی اوست. غزل سیاسی فرخی ساختاری متفاوت دارد، به صورتی که در ابتدا «غزل را با یکی دو بیت عاشقانه آغاز و سپس اندیشه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی خود را بیان می‌کند» (صبور، ۱۳۸۲: ۱۳۰). فرخی در غزل به آمیزش سنت غنایی با محتوای سیاسی اجتماعی می‌پردازد و از عهده کار چنان برمی‌آید که در سرودن غزل سیاسی او را شاخص می‌کند. «فرخی یزدی در این عصر غزل سیاسی را در عالی‌ترین طرز سروده و در این کار توانسته جان سیاسی و سیمای انقلابی تازه‌ای به غزل فارسی بدهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۱۰۷).

براساس مطالب گفته شده، نقد گفتمان‌شناسانه مطابق الگوی ون لیوون در فهم هرچه بهتر ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم بر متن اشعار و همچنین شناخت دیدگاه‌های فکری و اجتماعی فرخی یزدی در عصر مشروطه یاری‌گر است. آنچه از این پژوهش حاصل می‌شود تنها تفسیر زبان‌شناختی اشعار فرخی یزدی نیست، بلکه تفسیر جامعه‌ای است که این شاعر آزادی‌خواه در آن زندگی و با بحران‌ها و دشواری‌های آن دست و پنجه نرم کرده است.

در این پژوهش فرض بر آن است که اشعار سیاسی-اجتماعی فرخی یزدی حاوی مؤلفه‌های گفتمان‌مداری است که به وسیلهٔ الگوی ون لیوون^۱ قابل تحلیل و بررسی است. این بررسی به

منظور کشف جایگاه کارگزاران اجتماعی و چگونگی به تصویر کشیده شدن آنها در اشعار فرخی یزدی انجام می‌شود.

دو پرسش اصلی که چارچوب این مقاله را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از:

۱. فرخی یزدی برای بیان ایدئولوژی خود چگونه از مؤلفه نام‌دهی استفاده کرده است؟

۲. کاربست مؤلفه طبقه‌بندی در اشعار سیاسی - اجتماعی فرخی یزدی با چه نگرشی بوده است؟
به منظور یافتن پاسخ این دو پرسش، از الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون بهره گرفته شده است. این الگو در بردارنده چارچوبی است که بوسیله آن می‌توان کارگزاران اجتماعی و عملکرد آنها در ساختار جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. ابتدا اشعار فرخی یزدی به دقت مطالعه و ابیاتی که دارای زمینه‌های سیاسی - اجتماعی بودند، تفکیک و دسته‌بندی گردید؛ سپس براساس الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون به تحلیل و بررسی ابیات برای یافتن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی پرداخته شد. تحقیقات متنوعی در حوزه زبان و ادبیات فارسی با توجه به الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون انجام شده است از جمله:

۱. «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی»، حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴). این مقاله که کوششی برای تعریف و تبیین شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی محسوب می‌شود به تجزیه و تحلیل بخشی از روزنامه ایران پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی قابل کشف و تبیین است و این مؤلفه‌ها در مقایسه با تظاهرات زبان‌شناختی تصویر واضح‌تری از متن ارائه می‌دهند.

۲. «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی»، پهلوان نژاد و همکاران (۱۳۸۸). در این پژوهش ۴۱ شماره از نشریات سال‌های آغازین دوره مشروطه بررسی شده‌اند. نتایج به دست آمده گویای این مطلب است که همه متون مورد پژوهش کم و بیش از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی بهره برده‌اند اما میزان کاربست این مؤلفه‌ها مطابق با نوع نگرش سیاسی و اجتماعی گردانندگان نشریات متفاوت است.

۳. «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار»، لطف‌الله یارمحمدی و مریم شریف (۱۳۹۳). نویسندگان این مقاله با بررسی کمی و کیفی چهل رباعی از رباعیات خیام به این نتیجه دست یافته‌اند که مؤلفه اظهار در مقایسه با مؤلفه حذف از فراوانی قابل توجهی برخوردار است و بسامد بالای مؤلفه اظهار در ساختار رباعیات خیام نشانگر گرایش خیام به صراحت لهجه و استفاده از لحن بی‌پروا در بیان حقایق است.

۴. «تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک‌الشعرای بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، جلال رحیمیان، سمیه جوکار (۱۳۹۴). نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که بهار برای

بازنمایی صاحبان قدرت و فعالان سیاسی از مؤلفه‌های صریح بهره برده و دیدگاه خود را در مورد کارگزاران اجتماعی با به‌کارگیری مؤلفه ارزش‌گذاری بیان کرده است. همچنین بسامد اندک مؤلفه‌های پوشیده‌گویی شاهد دیگری است بر صراحت بهار در بازنمایی کارگزاران اجتماعی.

۵. «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی در داستان «آل» بر اساس الگوی ون‌لیوون»، خسرو غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶). نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در این داستان بازنمایی کنشگران هدفمند و در جهت کنترل دیدگاه‌های اجتماعی است. نویسنده با استفاده از مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی دیدگاه خود را به شیوه‌ای پوشیده بیان کرده و ستم جامعه نسبت به زن را به تصویر کشیده است. ارزش‌گذاری مردان ایل مثبت و ارزش‌گذاری زنان با توجه به موقعیت اجتماعی حاکم بر متن سیال است.

۶. «مؤلفه‌های جامعه‌شناختی داستان بهرام گور و سنگل هند در شاهنامه فردوسی براساس الگوی گفتمان‌شناسی انتقادی ون‌لیوون»، حسین صادقی و همکاران (۱۳۹۷). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فردوسی در این داستان با بسامد بالا از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی مطابق با الگوی پژوهش استفاده کرده است؛ که نشانگر جریان قدرت و ایدئولوژی در لایه‌های زیرین متن و نقش آن در میزان صراحت و پوشیدگی کارگزاران و کارکردهای آنان است.

۷. «بازنمایی کنش‌گران اجتماعی داستان آب بید با بهره‌گیری از الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ون‌لیوون»، حمیدرضا اکبری و شجاع تفکری (۱۳۹۸). نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد با بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در داستان بید می‌توان به دیدگاه‌های فکری، اجتماعی و ایدئولوژی نویسنده و تأثیر این دیدگاه‌ها بر چیدمان گفتمان او پی برد. بهمن‌بیگی با بهره‌گیری از مؤلفه نمادین‌شدگی، کنشگران مربوط به آموزش عشایری را در قالب افرادی تأثیرگذار در جامعه عشایری بازنمایی کرده است.

۸. «تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز دیوان خروس لاری از ابوالقاسم حالت و مجموعه آثار محمدعلی‌افراشته براساس الگوی ون‌لیوون»، مهرناز عسگری و همکاران (۱۳۹۸). نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد، هر دو طنزپرداز به پوشیده‌گویی تمایل بیشتری دارند اما محمدعلی‌افراشته برخلاف ابوالقاسم حالت با نام‌دهی کارگرانی که بر مسند قدرت قرار دارند و همچنین انتقاد از ارکان اصلی قدرت بر صراحت کلام خود افزوده است. ابوالقاسم حالت نیز با کاربرد بیشتر عامل نامشخص‌سازی کلام خود را پوشیده‌تر کرده است.

۹. «تحلیل انتقادی گفتمان آثار دوره پس از انقلاب اسلامی چهار طنزپرداز زن براساس الگوی ون‌لیوون (رباب تمدن، آذردهخت بهرامی، رؤیا صدر و نسیم عرب‌امیری)» فاضلی، مه‌بود و عسگری مهرناز (۱۴۰۱). این مقاله به بررسی آثار شاخص طنزپردازان زن پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این مطلب است که طنزپردازان زن با محافظه‌کاری در حوزه طنز سیاسی به پوشیده‌گویی تمایل دارند.

بررسی پژوهش‌های فوق نشانگر این مطلب است که تاکنون اشعار فرخی یزدی با الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیوون مورد پژوهش قرار نگرفته است. در مقاله حاضر به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

برای گفتمان تعاریف متعددی ارائه شده است. از دیدگاه ریچاردز گفتمان «اصطلاحی است عام برای نمونه‌های کاربردی زبان یعنی زبانی که برای برقراری ارتباط تولید شده است (Richards & Weber, 1985: 84). یارمحمدی گفتمان را «تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی» دانسته است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). یاورسکی و کاپلان گفتمان را اینگونه تعریف می‌کنند: «کاربرد زبان در رابطه با صورت‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زبانی که بازتاب‌دهنده نظم اجتماعی است» (Jaworski & Coupland, 1999: 3). در واقع گفتمان بررسی زبان فراتر از جمله است به منظور یافتن کارکردهای سیاسی-اجتماعی موجود در متن. میلز اذعان می‌کند که: «مطالعه گفتمان صرفاً تحلیل پاره‌گفتارها و گزاره‌ها نیست بلکه به ساختارها و قواعد گفتمان نیز می‌پردازد» (میلز، ۱۳۹۶: ۷).

اصطلاح «تحلیل گفتمان» برای اولین بار توسط زلیگ هریس (Zellig Harris) در سال ۱۹۵۲م. به عنوان روشی برای تحلیل یک گفتار و یا نوشتار پیوسته معرفی شد. «تحلیل گفتمان در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است» (یحیایی ایل‌ای، ۱۳۹۰: ۵۸). در تحلیل گفتمان پژوهش‌گر به دنبال یافتن جلوه‌های قدرت و ایدئولوژی در متن است و پاسخ این سوال که چرا از بین مؤلفه‌های موجود، فقط مؤلفه‌های خاصی به کار رفته‌اند. یاورسکی و کاپلان تحلیل گفتمان را «فراتر رفتن از صورت‌های قابل رؤیت زبان و رسیدن به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه متقابل زبان و فرایندهای اجتماعی» می‌دانند (Jaworski & Coupland, 1999: 47).

تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی است که در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی و موقعیتی) به بررسی می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

تحلیل گفتمان انتقادی با بررسی متن در سطح تبیین یعنی سطحی فراتر از توصیف صرف تصویری واضح‌تر از متن ارائه می‌دهد. خاستگاه فلسفی تحلیل گفتمان انتقادی نظریات میشل فوکو، فروید و مارکس است. در تحلیل گفتمان انتقادی زبان به عنوان «عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه مطالعه می‌شود» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸). این نوع تحلیل در پی کشف رابطه بین ساختارهای زبانی و دیدگاه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی است. تحلیل‌گران گفتمان انتقادی «رویکرد خود را انتقادی می‌نامند؛ زیرا معتقدند زبان عامل تولید و حفظ نابرابری‌های اجتماعی است و وظیفه آنها کشف این نابرابری‌ها و رفع آنها از طریق افزایش هشیاری مردم است» (سلطانی، ۱۳۹۷: ۳۲). قدرت و ایدئولوژی از مفاهیم اصلی و کلیدی در تحلیل گفتمان انتقادی هستند که به عنوان عناصری مهم در بررسی زمینه‌های اجتماعی زبان تلقی

می‌شوند. تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر تحلیل قدرت، به بررسی اثرات نابرابری‌های اجتماعی حاصل از قدرت‌ورزی قدرتمندان می‌پردازد.

در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی «هر متن متشکل از دولایه زیرین و زبرین است و وظیفه زبان‌شناس، کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است» (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). به منظور کشف لایه‌های زیرین متن رویکردهای متفاوتی در این حوزه مطالعاتی هستند که عبارت‌اند از: رویکرد جامعه‌شناختی فرکلاف، رویکرد اجتماعی-تاریخی وداک، رویکرد مطالعات اجتماعی-شناختی ون‌دایک، رویکرد سیاسی-اجتماعی لاکلا و موفه، رویکرد نشانه‌شناسی-اجتماعی هاج و کرس و رویکرد جامعه‌شناختی-معنایی ون‌لیوون.

با وجود تفاوت‌های رویکردی، همه دیدگاه‌ها اتفاق نظر دارند که «در تحلیل متن، از توصیف زبان باید فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نابرابری‌ها در زبان خلق و در زبان منعکس شده‌اند» (پنیکوک، ۱۳۷۸: ۱۲۸). الگوی ون‌لیوون یکی از الگوهای کاربردی در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در این الگو، ون‌لیوون «با پرداختن به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی نهفته در دل مؤلفه‌های زبان‌شناختی، به معرفی و تصویرسازی فعالان اجتماعی می‌پردازد» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۶۲).

در الگوی ون‌لیوون، متن از منظر صورت‌گرایی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه تأثیر مسائل اجتماعی بر متن مورد نظر است. در این الگو هر متن بیانگر دیدگاه‌های فکری اجتماعی و یا طبقه خاص نویسنده یا شاعر است. میزان بهره‌بری از منابع قدرت در صراحت و پوشیدگی متن تأثیر مستقیمی دارد به گونه‌ای که هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت بیشتر باشد متن صریح‌تر و شفاف‌تر است و کارگزاران اجتماعی به شیوه فعال نمایش داده می‌شوند و هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت کمتر باشد تصویر کارگزاران اجتماعی پوشیده‌تر است.

با اینکه در رویکرد ون‌لیوون مؤلفه‌های جامعه‌شناختی نسبت به مؤلفه‌های زبان‌شناختی ارجحیت و برتری دارد؛ اما همچنان تحلیل‌گر ناگزیر است از مؤلفه‌های زبان‌شناختی استفاده کند؛ به این دلیل که پایه‌های کارکردهای اجتماعی در زبان است و کلام با معنا گره‌خورده و پیوند دارد. ون‌لیوون با بیان این استدلال که «بین شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش آن‌ها، همیشه رابطه صددرد مستقیم وجود ندارد و لازم است از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در تحلیل گفتمان بهره برد» (شریف و یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۹)؛ تکیه الگوی خود را به جای معانی صرف متن بر شیوه‌های تولید و دریافت متن قرار می‌دهد. بر این اساس در الگوی او، عوامل ایدئولوژیکی و جامعه‌شناختی که در سوی دیگر متن قرار دارند علاوه بر توصیفات زبان‌شناختی و معنایی در تولید و درک متن موثر هستند.

ساختار الگوی ون‌لیوون از سه بخش تشکیل می‌شود: ۱. کارگزار یا کنشگر اجتماعی: به افرادی که در یک رویداد، کنش و یا گفتمان مشارکت و حضور دارند کارگزار گفته می‌شود. این کارگزاران بر اساس اهداف تولیدکننده متن می‌توانند در متن حضور داشته باشند و یا به دلایلی چون منافع تولیدکنندگان از متن حذف شوند؛ ۲. کنش یا عمل: در هر گفتمانی یک عمل یا

کنشی صورت می‌گیرد که کارگزاران در آن عمل یا فعالیت حضور دارند؛ ۳. واکنش: این عمل به معنای پاسخ و یا عکس‌العملی است که کارگزاران و شرکت‌کنندگان در برابر فعالیت‌ها و یا عمل سایر حاضران در گفتمان از خود نشان می‌دهند. بنابراین از ترکیب سه مفهوم بالا یعنی اعمال کارگزار، کنش و واکنش یک کردار اجتماعی شکل می‌گیرد.

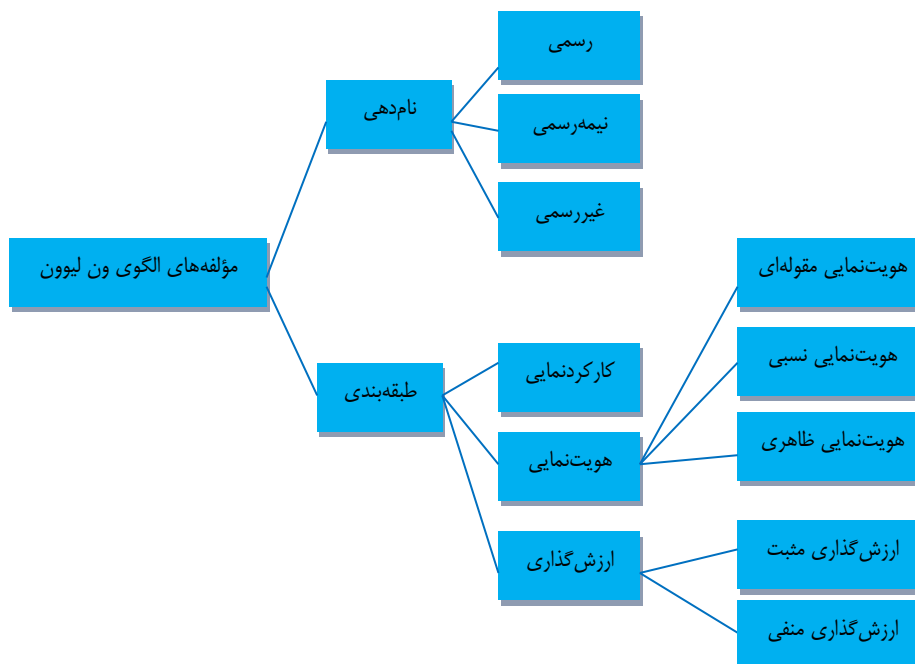
در چارچوب الگوی ون لیوون ساختارهای گفتمان مدار به عنوان بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های جاری در یک جامعه یا بخشی از آن لحاظ می‌شوند و ساختارهای گفتمان مدار اساسی‌ترین نقش در طرح، بیان و بازساخت منظور و اراده نهفته در پس متن را دارا هستند. از نگاه ون لیوون «ساختارهای گفتمان مدار ریشه در دیدگاه اجتماعی- فرهنگی مؤلف، مترجم، گوینده یا سراینده متن دارند» (صاحبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). مؤلفه‌های گفتمان مدار ارائه شده در الگوی ون لیوون به دو دسته کلی صریح و پوشیده تقسیم می‌شود و هرکدام از این دو نوع، زیرمجموعه‌های خاص خود را دارند.

مؤلفه‌های گفتمان مدار صریح عبارت‌اند از: ۱. فعال‌سازی، ۲. مشخص‌سازی، ۳. تفکیک‌کردن، ۴. پیوندزدن؛ ۵. نام‌دهی و ۶. نوع ارجاعی.

مؤلفه‌های گفتمان مدار پوشیده عبارت‌اند از: ۱. حذف، ۲. جنس ارجاعی، ۳. منفعل‌سازی، ۴. نامشخص‌سازی، ۵. انتزاعی‌کردن، ۶. طبقه‌بندی (Van Leeuwen, 1996: 110).

مبنای این پژوهش تحلیل و بررسی مؤلفه نام‌دهی از مؤلفه‌های گفتمان مدار صریح و مؤلفه طبقه‌بندی از مؤلفه‌های گفتمان مدار پوشیده است.

۱-۲. معرفی مؤلفه‌های گفتمان مدار الگوی ون لیوون



۲-۱-۱. نام‌دهی (Nomination)

کارگزاران اجتماعی در مؤلفه نام‌دهی مطابق هویت منحصر به فرد خود بازنمایی می‌شوند که با به‌کارگیری اسم خاص صورت می‌گیرد. نام‌دهی خود زیرمجموعه‌هایی دارد که شامل سه دسته ذیل می‌شود:

- «نام‌دهی رسمی» که در آن نام‌خانوادگی به همراه الفاظ محترمانه به‌کار می‌رود مثل: آقای میرزایی.

- «نام‌دهی نیمه‌رسمی» که در این حالت تنها نام و نام‌خانوادگی افراد بیان می‌شود مثل: علی میرزایی.

- «نام‌دهی غیررسمی» که در این حالت نام کارگزار اجتماعی به تنهایی ذکر می‌شود مثل: علی. عنوان‌دهی (Titulation) شکل دیگری از نام‌دهی است که به دو روش لقب‌دهی (Honorification) و پیوندجویی (Affiliation) انجام می‌شود. در لقب‌دهی عناوین رسمی و رتبه‌های شغلی و علمی همراه اسم خاص استفاده می‌شود مانند: استاد کرمی و دکتر احمدی. در پیوندجویی نسبت‌های فAMILI لحاظ می‌شود و کارگزار مطابق ارتباط نسبی‌اش نمایش داده می‌شود مانند: دایی علی، عمو حسن.

الف) نمونه‌های نام‌دهی

* به روزگار رضا هر که را که من دیدم
هزار مرتبه فریاد نارضایی زد
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۳۳)

منظور رضاشاه پهلوی، بنیان‌گذار سلسله پهلوی است. در این شعر فرخی به دوران سلطنت رضاشاه که برای منتقدان سیاسی و روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه دورانی پراضطراب و همراه با سانسور بود اشاره می‌کند. فرخی در این بیت با بکاربردن نام رضا نگاهی همراه با تحقیر و تمسخر نسبت به رضاشاه دارد.

* نصرت‌الدوله در فنای وطن
در اروپا کند تلاش بی‌بین
(همان: ۱۹۴)

منظور میرزا نصرت‌الدوله وزیر عدلیه و سپس وزیر خارجه است که در عقد قرارداد ۱۹۱۹ نقش مهمی داشت. فرخی در قطعه‌ای کوبنده او را به وطن‌فروشی متهم می‌کند و دلال فروش وطن می‌نامد. فرخی نصرت‌الدوله را کاسه داغ‌تر از آتش خطاب می‌کند که سعی دارد وطن را تقدیم انگلیس کند. نام‌دهی نصرت‌الدوله بدون القاب و عناوین بیانگر صراحت فرخی نسبت به اوست.

* منصور که در عدلیه قادر شده است
دیر آمده زود از مصادر شده است
(همان: ۲۱۷)

منظور منصور السلطنه عدل، کفیل وزارت دادگستری وقت است. او که از حامیان سیاست‌های استعماری انگلستان در ایران بود، از انتقادات فرخی مصون نماند. «عدالت‌خانه منصور» «منصوری»، «منصور السلطنه»، «عدالت‌خانه» از جمله سرمقالاتی بود که فرخی علیه منصور در

روزنامه طوفان نوشت. نام‌دهی منصورالسلطنه تلاشی است برای آشکار کردن خیانت او و همچنین آگاه کردن مردم نسبت به خیانت نمایندگان ملت و صاحبان قدرت.

* در مدرسه درس می‌دهی رنگارنگ ای بوقلمون مگر مدرس شده‌ای
(همان: ۲۵۹)

فرخی به دلیل تمایلات سوسیالیستی و اختلاف بر سر برخی مسائل مهم سیاسی با مدرس در مقالات و اشعاری به طور غیرمستقیم به نکوهش او پرداخته و از برخی رفتارهایش انتقاد کرده است. در این بیت نام سید حسن مدرس به صورت صریح و بدون ذکر لقب همراه با تمسخر ذکر شده است.

* پرد ز افق بر چرخ، فواره خون هر روز تا غوطه زند خورشید، از خون خیابانی
(همان: ۲۰۶)

منظور شیخ محمد خیابانی، از فعالان سیاسی در دوره انقلاب مشروطه ایران است. فرخی در روزنامه طوفان (س ۱، ش ۳، ۱۳۱۱/۶/۱۲) به مناسبت نخستین سال شهادت محمد خیابانی در سرمقاله‌ای به شرح احوال، مبارزات و نیز بزرگداشت وی می‌پردازد و این شعر را در بالای سرمقاله قرار می‌دهد. فرخی به جهت احترام و نگاه مثبتی که نسبت به خیابانی داشته است از وی به نیکی یاد می‌کند.

* وستال پی دفاع دل بکدله کرد پس پیش وزیر و شه ز طوفان گله کرد
(همان: ۲۳۳)

منظور وست داهل سوئدی رئیس شهبانی دوره مشروطیت است. وی یکی از افراد شهربانی سوئد بود که برای اصلاح نظمیه ایران استخدام شد. فرخی در این شعر به نکوهش عوامل خارجی و نارضایتی از دخالت آنها در امور کشور می‌پردازد.

* با این همه عیب بهتر از مستوفی بی شبهه در این محیط پیدا نکنید
(همان: ۲۲۹)

* رسم و ره مستوفی اگر خوب نبود نزد همه کس این همه محبوب نبود
(همان: ۲۳۲)

منظور میرزا حسن مستوفی الممالک است که نخست وزیر و نماینده مجلس بود. در این ابیات فرخی از مستوفی الممالک دفاع می‌کند و با ذکر نام مستوفی نگرش مثبت خود را نسبت به او نشان می‌دهد و به دفاع از اقدامات او می‌پردازد.

* آن دولت انگلیس را بود وثوق این سلطنت هند را هست قوام
(همان: ۲۴۶)

منظور از وثوق، میرزا حسن خان وثوق‌الدوله است که بعدها نام خانوادگی وثوق را برای خود برگزید. وی نخست‌وزیر ایران و از دولتمردان تأثیرگذار اواخر دوره قاجار بود. قرارداد ننگین استعماری ۱۹۱۹ در دوران نخست وزیر وثوق‌الدوله بین دو دولت ایران و انگلیس به امضا رسید. منظور از قوام، احمد قوام ملقب به قوام‌السلطنه است که سیاستمدار ایرانی پایان دوران قاجار و روزگار پهلوی بود. در این بیت فرخی یزدی نگاهی منفی نسبت به وثوق‌الدوله و

قوام السلطنه دارد و آنها را مورد اعتماد دولت‌های بیگانه و عامل بدبختی مردم ایران می‌داند. کاربرد نام‌دهی در این بیت به گونه ای است که از معنای لفظی و ثوق و قوام نیز استفاده ادبی شده است.

* حربۀ وحشت و ترور، کشت چو میرزاده را سال شهادتش بخوان عشقی قرن بیستم (همان: ۲۵۳)

منظور، میرزاده عشقی، شاعر، روزنامه‌نگار و نمایشنامه‌نویس ایرانی دوره مشروطیت و مدیر نشریه قرن بیستم است. فرخی به مناسبت قتل میرزاده، شاعر آزادی‌خواه و برای بزرگداشت این شاعر وطن‌پرست این ماده تاریخ را سروده است. ذکر نام عشقی و ثبت این ماده تاریخ نمایشگر محبتی است که فرخی نسبت به عشقی داشته است. اینکه فرخی نامی از عامل قتل عشقی نمی‌برد را می‌توان دلیلی بر شرایط بد سیاسی اجتماعی و خفقان عصر دانست.

* می‌خواست خون ز کشور دارا رود چو جوی دستی که تیغ کید به جانوسیار داد (همان: ۱۱۷)

* خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید (همان: ۱۳۲)

* لطمۀ ضحاک استبداد ما را خسته کرد با درفش کاویان روزی فریدون می‌شویم (همان: ۱۶۰)

* لیک گویم گر به قانون مجری قانون شوی بهمن و کیخسرو و جمشید و افریدون شوی (همان: ۱۸۹)

فرخی با استفاده از نمادهای اساطیری و ملی سعی دارد خودکامگی سیاستمداران را آشکار کند استفاده از این شخصیت‌ها ابزاری در جهت مبارزات استعماری و برانگیختن مردم علیه وطن‌فروشان و خائنان است. فرخی به گونه‌ای تیبیکال از چهره‌های اساطیری بهره می‌گیرد؛ به این معنی که شخصیت‌های دارای وجهه مثبت مثل جمشید، کاوه و فریدون چهره‌هایی آرمانی و مثبت در جهت تصویرسازی آزادی و عدالت هستند و شخصیت‌های منفی مثل ضحاک و جانوسیار نمادی از استعمارگران و متجاوزان و وطن‌فروشان به شمار می‌آیند. فرخی به سبب شرایط خفقان عصر خود از نام‌دهی شخصیت‌های حکومتی کمتر استفاده می‌کند، در عوض با ذکر شخصیت‌های اساطیری به شکلی غیر مستقیم دیدگاه خود را درباره صاحبان قدرت بیان می‌کند.

ب) نمونه‌های عنوان‌دهی و پیوندجویی

* شاه و دربار و وزارت عز و جاه و ملک و مال هیچ چیزی نیست کاندر قبضۀ اشراف نیست (فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۰۹)

* خسرو کشور ما تا بود این شیرین کار لاله‌سنان دیده مردم همه گلگون باشد (همان: ۱۱۸)

* عذر تقصیر همی خواهد و گوید مأمور
کاین جنایت حسب‌الامر همایون باشد
(همان: ۱۱۹)

* لایق شاه بود قصر نه هر زندانی
حاکم جامعه گر ملت و قانون باشد
(همان: ۱۱۹)

در این ابیات طنزآلود، فرخی به استهزای رضاشاه و حکومت او پرداخته، در نگاه اول ممکن است فاقد محتوای اجتماعی تصور شود، ولی با توجه به بافت شعری و به کار بردن کلماتی چون شیرین کار و قصر که هم یادآور کاخ و هم یادآور زندان قصر است، اشاره ضمنی سیاسی - اجتماعی فرخی بهتر درک می‌شود. کاربرد عنوان‌دهی به جای نام‌دهی در این ابیات به نوعی از صراحت لهجه فرخی می‌کاهد در واقع فرخی با عنوان‌دهی از رضاشاه به عنوان بالاترین مقام کشور یاد می‌کند و ناتوانی و بی‌کفایتی او را با بیانی طنزگونه به نمایش می‌گذارد.

* لرد کرزن عصمانی شده است
داخل مرثیه‌خوانی شده است
(همان: ۱۹۶)

منظور لرد کرزن وزیر خارجه وقت انگلستان است. فرخی در این شعر که با تمسخر همراه است به موضوع لغو قرارداد شوم و وثوق‌الدوله می‌پردازد. قرارداد استعماری که با تلاش وطن‌دوستان و آزادی‌خواهان ایران زمین ملغی شد و باعث عصبانیت لرد کرزن و مجلس انگلیس گشت. در این شعر فرخی از لرد کرزن می‌خواهد دست از استعمار ایران بکشد.

* دهقان پسر کارگری کهنه لباس
آمد پی دعوت‌م ز شب رفته دو پاس
(همان: ۲۴۲)

فرخی خود دهقان‌زاده است و در اشعار خود به این امر افتخار می‌کند. در این شعر فرخی تصویر پسر دهقان را با توصیف ظاهری همراه کرده است که به خوبی وضع بد و ناگوار زندگی توده‌های زحمت‌کش را نشان می‌دهد. در واقع فرخی با کاربرد این پیوندجویی به نوعی به ساختار طبقاتی جامعه اشاره دارد که فرزند دهقان در جامعه روزگار فرخی دارای سرنوشتی مشترک با پدر خود است و در فقر و نداری و سختی زندگی می‌کند.

* از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت
در خیانت داد هر کس امتحان فتنه را
(همان: ۸۳)

در این شعر فرخی خائن بودن کارگزاران و اقوامشان را بیان می‌کند و قوام‌السلطنه را خائن و دزد می‌نامد که برای نابودی ایران تلاش می‌کند. فرخی در سرمقاله‌ای تحت عنوان «خانواده خیانت» خائن بودن قوام و اقوامش را بی‌پروا اظهار می‌نماید. کاربرد پیوندجویی در بیت مذکور در واقع بیانگر وجود ارتباطات نسبی در بین صاحبان قدرت است؛ به این معنا که نمایندگان و کلای ملت براساس شایستگی و توانمندی‌ها انتخاب نشدند، بلکه وجود روابط خویشاندی عامل مهم در انتخابشان بوده است.

در طبقه‌بندی، کارگزاران اجتماعی با توجه به هویت اجتماعی و نقش‌هایی که با کارگزاران دیگر سهیم هستند بازنمایی می‌شوند؛ نه براساس هویت و ویژگی‌های شخصی و منحصر به فرد. شیوه طبقه‌بندی خود به سه زیرمجموعه: کارکردنمایی، هویت‌نمایی و ارزش‌گذاری تقسیم می‌شود.

الف) کارکردنمایی (Functionalization)

در این شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی بر اساس نوع فعالیت و شغلی که دارند، صورت می‌گیرد مانند: چوپان، رعیت، آهنگر و وکیل. استفاده از کارکردنمایی در یک متن یا متون خاص یک دوره می‌تواند نمایانگر وضع اقتصادی و معیشتی مردم آن دوره باشد. فرخی برای انتقاد از رجال دولتی و سیاسی از اسامی خاص به میزان اندک استفاده کرده است و بیشتر با اشاره به سمت افراد چون وکیل، وزیر، کارفرما، سردار سپه، لیدر و سرمایه‌دار به انتقاد از صاحبان قدرت پرداخته است.

نمونه‌های کارکردنمایی

* دارها چون شد بیا با دست کین بالا کشید بر سر آن دارها سالارها، ساردارها (فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۸۴)

فرخی در این شعر، نمایندگان مجلس را به مارهایی سمی و خطرناک تشبیه می‌کند و معتقد است این‌گونه افراد باید به دست مردم به دار مجازات آویخته شوند و در پی آن‌ها سردارها و سالارها که همان دولتمردان فاسد هستند باید از میان بروند تا کشور رنگ آسایش به خود ببیند و آرام شود.

* در این وکیل و وزیر ای خدا اثر نکند فغان صبحدم و ناله شبانه ما (همان: ۸۸)

فرخی از مجلس فرمایشی انتقاد می‌کند. مجلسی که حکومت نمایندگانش را بر مردم تحمیل کرده است. این نمایندگان در مواقع در اندیشه مردم و رفع مشکلات ملت نیستند. آنها در قانون شکنی و خیانت گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند با این وجود نماینده قانون شده‌اند و بیش از آنکه به فکر مردم باشند به منفعت خود می‌اندیشند. برخی نمایندگان و وزراء عامل ایجاد قراردادهایی شدند که منافع ملی کشور را به خطر انداخت و این موضوع باعث انتقاد شدید شاعران و نویسندگان از جمله فرخی گردید.

* حق دهقان را اگر ملاک، مالک گشته است از کفش بی آفت تأخیر می‌باید گرفت (همان: ۹۳)

* دست دهقان را به داس خونچکان خواهی رساند کارفرما را اسیر کارگر خواهی نمود (همان: ۱۴۲)

* شوریده دل به سینه بعنوان کارگر شورید و گفت جان من و جان کارگر (همان: ۱۴۹)

هنر واقعی فرخی در به تصویر کشیدن دهقانان و کارگران و همچنین نمایش تضادهای زندگی اجتماعی آنهاست. فرخی مدافع حق کارگران، دهقانان و رنجبران است و در اشعارش به

حمایت از انسان‌های مظلوم می‌پردازد. تقابل دهقان و ملاک، دهقان و کارفرما در این ابیات نشانگر ساختار طبقاتی غیرعادلانه‌ای است که در عصر فرخی حاکم بوده است. در واقع فرخی با در کنارهم قرار دادن این دو کارکرد اوضاع سخت زندگی طبقه کارگر و دهقان را به تصویر می‌کشد و عامل اصلی بدبختی طبقه فرودست را حق‌خوری ملاکان و کارفرمایان می‌داند.

* از عدل اگر وکیف توصیف کند روزنامه‌نگار مدح و تعریف کند (همان: ۲۲۶)

فضای عصر مشروطه و دوره رضاخان فضای تاریک و سنگینی است؛ اظهار خشنودی و رضایت اجباری، از وظایف افراد شمرده می‌شد و روزنامه‌های زمان، همه وظیفه داشتند که نسبت به شاه ابراز خشنودی کنند. فرخی در این شعر به توصیف وکلا و روزنامه‌نگران پرداخته است. وکیل که باید مجری عدالت و خواهان عدالت باشد تنها به توصیف آن می‌پردازد و روزنامه‌نگار که وظیفه‌اش بیان دقیق و صادقانه خبرها و همچنین نقد رفتار وکلای ملت است تنها حق مدح و تعریف از رفتار فریبکارانه صاحبان قدرت را دارد.

* ز لیدرهای جمعیت ندیدم غیر خودخواهی از آن با جبر کردم اختیار اقدام فردی را (همان: ۱۱۳)

* امتحان داد به هنگام عمل لیدر حزب که به عنوان خودی محرم بیگانه ماست (همان: ۲۲۱)

فرخی تمایلی به حزب‌گرایی ندارد. او در این ابیات نظر خود را نسبت به رهبران احزاب بیان می‌کند. آنها را مبارزانی نالایق می‌نامد که سرسپرده و محرم بیگانگان هستند.

* بود اگر جامعه بیدار در این دار خراب جای سردار سپه جز به سر دار نبود (همان: ۱۴۵)

فرخی در این بیت به سرزنش جامعه به علت پذیرش رضاخان به عنوان سردار سپه می‌پردازد. او فریب ظاهرسازی رضاخان را نمی‌خورد و در جریان مبارزه با سردار سپه، در برابر حکومت مقتدر از اقتدار ملت سخن می‌گوید.

ب) هویت‌نمایی (Identification)

هویت‌نمایی، خود دارای سه زیرشاخه است: در حالت اول که هویت‌نمایی مقوله‌ای نامیده می‌شود کارگزاران اجتماعی مطابق قراردادهای فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، جنسیتی و طبیعی بازنمایی می‌شوند مانند: کافران، مادران، ایرانیان، اهل اصفهان.

۱. نمونه‌های هویت‌نمایی مقوله‌ای

* اهل کرمان همه آسوده و فارغ ز بلا کس بر ایشان نکند ظلم چه پنهان چه ملا (فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۰۰)

در این شعر فرخی به طعنه می‌گوید که دوران ظلم و ستم تمام شده است و خبری از دخالت کشورهای بیگانه نیست و شاهد این مدعا را به طعنه و تمسخر آسودگی و آرامش اهل کرمان می‌داند که دیگر به آنها ظلم و ستم نمی‌شود.

* ای وطن پرور ایرانی با مسلک و هوش هان مکن جوش و خروش
(همان: ۱۹۱)

* اجنبی گر به مثل می‌دهد ساغر نوش نوش نیش اسست منوش
(همان: ۱۹۱)

فرخی بیگانه را دشمن کشور می‌داند و همین موضوع را در شعری که هنگام مهاجرت به موصل سروده، بیان می‌کند. او به مردم وطن دوست نصیحت می‌کند که فریب بیگانه را نخورند و همیشه آمادهٔ ضربه دشمن باشند و بارها با بیان این جمله که «اجنبی، اجنبی است» به مردم وطن‌پرست هشدار می‌دهد.

* ملل از سرخی خون روی سفیدند ولیک هیچ ملت به سیه بختی ایرانی نیست
(همان: ۱۱۰)

* با آن که به روی گنج منزل دارد بدبخت و فقیرتر از ایرانی نیست
(همان: ۲۱۱)

* ملل از سرخی خون روی سفیدند ولیک هیچ ملت به سیه بختی ایرانی نیست
(همان: ۱۱۰)

* در مرز عجم ذلت ایرانی بین در ملک عرب محو مسلمانی بین
(همان: ۲۵۳)

فرخی در این ابیات از ویرانی مملکت و بدبختی مردم ایران می‌نالند و بی‌کفایتی حاکمان و نمایندگان، تجاوز کشورهای بیگانه و نادانی مردم را عامل سیه‌بختی ایرانیان می‌داند؛ مردمی که روی گنج منزل دارند، اما فقیر و بیچاره‌اند.

حالت دوم براساس روابط نسبی است که هویت‌نمایی نسبی نام دارد. در این حالت بازنمایی کارگزاران اجتماعی متناسب با روابط خویشاوندی و دوستی صورت می‌گیرد مانند: اجداد ما، برادران شما، عموهایشان.

۲. نمونه‌های هویت‌نمایی نسبی

* عید نوروزی که از بیداد ضحاک‌ی عزااست هر که شادی می‌کند از دودهٔ جمشید نیست
(همان: ۱۰۶)

* ای دودهٔ تهمورث دل یکدله باید کرد یک سلسله دیوان را در سلسله باید کرد
(همان: ۳۳)

* ای دودهٔ جم قیام یکباره کنید بیچارگی عموم را چاره کنید
(همان: ۲۳۰)

* ز انتخاب چو کاری نمی‌رود از پیش به پور کاوه بگو فکر انقلاب کند
(همان: ۴۴)

* همتی ای ملت سلالهٔ قارن غیرتی ای مردم نییرهٔ کشواد
(همان: ۲۰۳)

* ما زادهٔ کیتباد و کیکاووسیم جان باختگان وطن سیروسیم

(همان: ۲۴۵)

گاهی فرخی برای بیان انتقاد از اوضاع زمانه هویت‌نمایی نسبی را به گونه‌ای به کار می‌برد که ایرانی بودن و گذشته درخشان ایرانی را به خاطر می‌آورد. در واقع فرخی به مؤلفه‌های ملی میهنی توجه خاصی دارد تا از این طریق شور و هیجان لازم برای مقابله با ظلم و استبداد را در مخاطب ایجاد کند.

حالت سوم هویت‌نمایی ظاهری است که متناسب با خصوصیات جسمی و ظاهری کارگزاران اجتماعی صورت می‌گیرد مانند: فرق شکسته، کلاه نمدی و پیرهن چاک.

۳. نمونه‌های هویت‌نمایی ظاهری

* پیکر عریان دهقان را در ایران یاد ندارد آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را (همان: ۸۴)

از نظر فرخی، جسم زار و عریان دهقان ایرانی هرگز در ذهن تن‌پروران عیاشی که برای بوسیدن روی زیبارویان فرنگی به اروپا می‌روند مجسم نمی‌شود به همین دلیل فرخی آرزو می‌کند که روزی کارگران انتقام خود را از این تن‌پروران بگیرند. توصیف پیکر عریان دهقان نمونه‌ای است از هویت‌نمایی ظاهری که فرخی آن را دست‌مایه نگرش منفی نسبت به تن‌پروران قرار داده است.

* آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس (همان: ۱۵۲)

* با پای برهنه راضی از دست و چکش با فرق شکسته شاکر از بازو و داس (همان: ۲۴۲)

فرخی در این ابیات به توصیف وضع اسفناک کارگران و دهقانان می‌پردازد. این مسئله که در کشور کسی نیست تا به داد مردم مظلوم و فقیر برسد برای فرخی بسیار دردناک است. فرخی عامل این شرایط را کسانی می‌داند که دسترنج کارگران و دهقانان را بدون هیچ‌گونه تلاشی می‌گیرند. این ابیات بیانگر توجه عمیق فرخی به قشر کارگر و دهقان است.

ج) ارزش‌گذاری (Appraisal):

در این حالت بازنمایی کارگزاران اجتماعی با استفاده از اصطلاحات تقابلی و مطابق با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به دو شکل منفی و مثبت انجام می‌شود. استفاده از صفات منفی و مثبت برای ارزش‌گذاری کارگزاران اجتماعی می‌تواند نمایانگر دیدگاه شاعر و جامعه نسبت به طبقه‌ای خاص باشد؛ مانند وطن‌پرست، دزدان شرف و اهرمن‌خو.

۱. نمونه‌های ارزش‌گذاری منفی

* یکدسته منفعت‌جو، با مشتی اهرمن‌خو با هم قرار دادند، بر بی‌قراری ما (فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۷۸)

* آه اگر با این هیاهو باز نشناسیم ما
یکه تاز مفسدت جو، قهرمان فتنه را
(همان: ۸۳)

* ای کاهن خودپرست، معبود تو کیست
وی خائن شوم پست، مقصود تو کیست
(همان: ۲۱۶)

در این ابیات فرخی از کسانی انتقاد می‌کند که برای کسب سود خود به مردم ظلم روا می‌دارند و حاصل دسترنج‌شان را عادلانه تقسیم نمی‌کنند. کسانی که برای آرامش و قرار خود، آسایش و راحتی مردم را به اضطراب و افسردگی تبدیل می‌کنند. خیانت، منفعت‌طلبی، فسادانگیزی، خودپرستی و پستی از جمله صفاتی است که فرخی برای توصیف چهره‌های منفی عصر خود به کار می‌برد.

* آن خودسر مرتجع که دل‌ها خون کرد
پامال هوای نفیس خود قانون کرد
(همان: ۲۲۲)

فرخی در این بیت خوشحالی خود را از سقوط دولت قوام السلطنه ابراز می‌کند. فرخی قوام را خودسر مرتجع می‌نامد که برای امیال شخصی قانون‌شکنی می‌کند. اینکه فرخی از ارزش‌گذاری منفی به جای نام‌دهی از قوام استفاده کرده است از صراحت او کاسته و بیان او را پوشیده کرده است.

* اگر خدای به من فرصتی دهد، یک روز
کشم ز مرتجعین انتقام آزادی
(همان: ۱۸۱)

* چون مرتجعین آلت نیرنگ شدند
آزادی و ارتجاع در جنگ شدند
(همان: ۲۲۶)

در دوران مشروطه اصطلاح مرتجع رواج یافته بود. مرتجعین هرچند به ظاهر دیکتاتوری را نفی می‌کردند و حتی با آن مبارزه می‌نمودند اما طرفدار نظام استبداد و سلطه بودند. فرخی نسبت به مرتجعین نگاهی منفی همراه با انتقاد دارد زیرا با اینکه هدف مرتجعین حفظ اسلام بود ولی از روی سادگی فریب خوردند و نه تنها به اسلام بلکه به وطن ضربه زدند.

* ای سست عقیده، سخت شادی دیگر
خرسند ز رأی اعتمادی دیگر
(همان: ۲۴۰)

فرخی در این رباعی که به مناسبت استعفای مشیرالدوله و روی کارآمدن دولت قوام سروده به قوام گوشزد می‌کند که به سبب گرفتن رأی اعتماد خوشحالی نکند و مثل برادرش در پی آماده سازی قراردادی برای وطن‌فروشی نباشد. فرخی در این بیت قوام را سست عقیده می‌نامد که اعتقادی به وطن‌پرستی ندارد.

* این پول که صاحبان القاب خورند
خون دل ماست چون می ناب خورند
(همان: ۲۳۰)

فرخی زبان ملت بود و نمی‌توانست در برابر سوء استفاده صاحبان القاب که همان نمایندگان ملت بودند ساکت باشد. کسانی که حاصل زحمت یک ملت را به راحتی می‌خورند بدون اینکه کاری برای مردم انجام داده باشند.

۲. نمونه‌های ارزش‌گذاری مثبت

- * با اشک روان توده زحمتکش دنیا
در دامن صد پاره خود در ثمین ریخت
(همان: ۹۹)
- * غیر خون آبروی توده زحمتکش نیست
بر هم زن خاکستر این آتش نیست
(همان: ۱۱۵)
- * تبریک صمیمانه خود را طوفان
تقدیم کند به توده زحمتکش
(همان: ۲۴۳)
- * ز دود آه ستم‌دیدگان سوخته دل
بخی‌ترم که چرا این بنا نمی‌سوزد
(همان: ۱۴۴)

فرخی در شعرش توجه فراوانی به توده زحمتکش و آسیب‌پذیر جامعه دارد و حمایت از طبقه رنجبر و فرودست جامعه را وظیفه خود می‌داند. در جای‌جای اشعار او توصیفات بسیاری از فقر و تنگدستی و غم و اندوه مردم ایران به چشم می‌خورد. ترسیم چهره درد کشیده مردم و افشای ظلم و ستم طبقه مرفه، در جای‌جای شعر فرخی مشهود است.

- * ملت نجیب ایران، خوانده با یقین و ایمان
شاعر سخن‌شناسم، سائس وطن پرستم
(همان: ۱۶۷)
- * ای وطن پرور ایرانی اسلام پرست
همتی زآنکه وطن رفت چو اسلام ز دست
(همان: ۱۹۱)

از نظرگاه فرخی وطن پرستی یک خصلت مهم و کلیدی تلقی می‌شود. او مردم ایران را ملتی نجیب می‌داند که عشق به وطن و وطن پرستی در وجودشان نهفته است و هرگاه می‌خواهد برای بیداری مردم شعری بسراید یا مطلبی بیان کند، با صفاتی چون وطن پرستی و وطن پروری آنها را فرامی‌خواند.

۲-۲. تحلیل کمی مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی

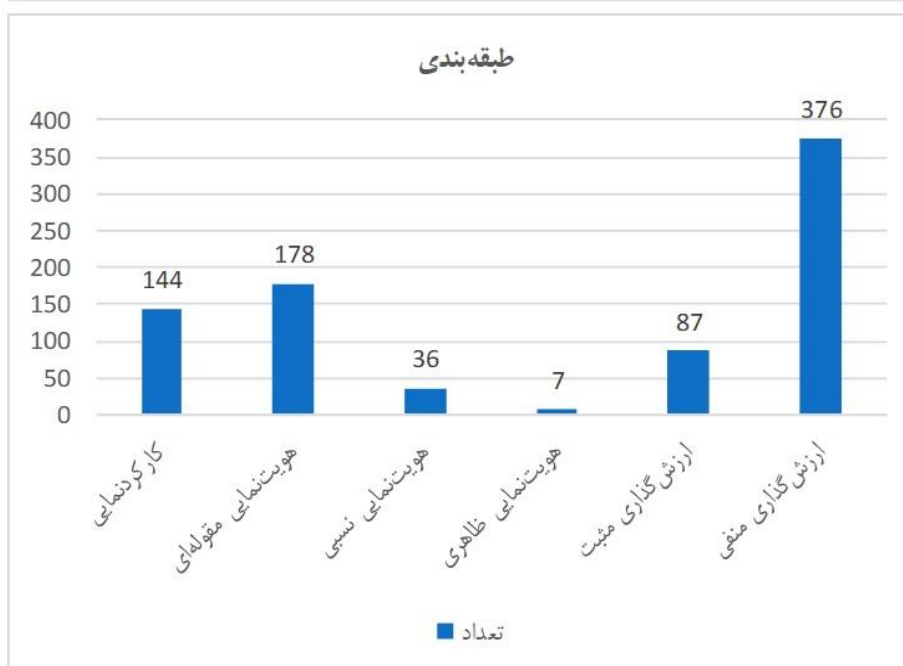
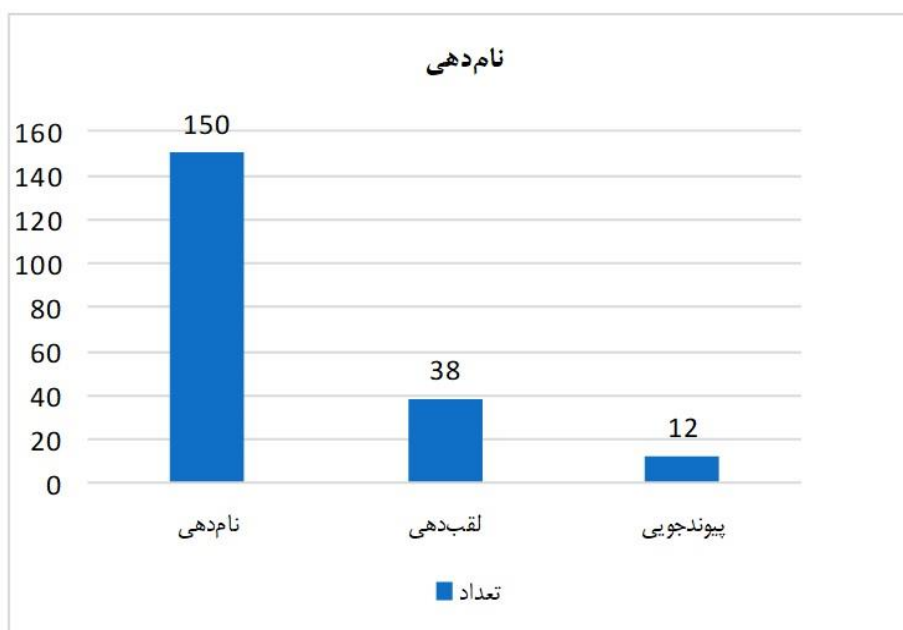
طبق الگوی مورد بحث برخی از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی صریح هستند و برخی پوشیده. نام‌دهی جزو مؤلفه‌های صریح‌گویی است و طبقه‌بندی جز مؤلفه‌های پوشیده‌گویی. فرمول مورد استفاده برای نمایش درصد به‌کارگیری مؤلفه‌های این پژوهش بدین صورت است:

$$۱۰۰ * \frac{\text{مجموع ارجاعات پوشیده/صریح}}{\text{کل ارجاعات (پوشیده و صریح)}} = \text{میزان ارجاعات پوشیده/صریح}$$

درصد	تعداد رخداد	مؤلفه‌ها	نام‌دهی	صریح	ذکر
۱۴.۵۹٪	۱۵۰	نام‌دهی			
۳.۶۹٪	۳۸	لقب‌دهی			
۱.۱۶٪	۱۲	پیوندجویی			
۱۴٪	۱۴۴	کارکردنمایی			

۱۷.۳۱٪	۱۷۸	هویت‌نمایی مقوله‌ای	طبقه‌بندی	پوشیده
۳.۵٪	۳۶	هویت‌نمایی نسبی		
۱.۶۸٪	۷	هویت‌نمایی ظاهری		
۸.۴۶٪	۸۷	ارزش‌گذاری مثبت		
۳۶.۵۷٪	۳۷۶	ارزش‌گذاری منفی		

تحلیل داده‌های مربوط به مؤلفه‌های صریح و پوشیده نشان می‌دهد که بیشترین بسامد رخداد به ترتیب به مؤلفه‌های ارزش‌گذاری منفی، هویت‌نمایی مقوله‌ای، نام‌دهی و کارکردنمایی تعلق دارد و در مقابل کمترین بسامد رخداد به ترتیب به مؤلفه‌های هویت‌نمایی نسبی، پیوندجویی و هویت‌نمایی ظاهری اختصاص دارد. به طور کلی، مؤلفه‌های صریح ۲۰۰ مرتبه و مؤلفه‌های پوشیده ۸۲۸ مرتبه به کار رفته‌اند. در مجموع ۸۱٪ از مؤلفه‌های موجود در اشعار سیاسی-اجتماعی فرخی را مؤلفه‌های پوشیده و ۱۹٪ را مؤلفه‌های صریح تشکیل می‌دهند.



۳. نتیجه

نام‌دهی سران و بزرگان حکومتی با لحنی کنایه‌آمیز و همراه با ارزش‌گذاری منفی نمایان‌گر این موضوع است که فرخی دل‌خوشی از سران حکومت نداشته است. به سبب تأثیر حضور مردم در انقلاب مشروطه و جایگاه کانونی آنها در این عصر نوع نگاه فرخی می‌تواند بیانگر این دیدگاه باشد که شاعران در این دوره باورها و ذهنیت مردم را در اشعار خود منعکس می‌کنند و در عین حال به افکار و دیدگاه‌های مردم جهت می‌دهند.

در بررسی کارکرد طبقه‌بندی این موضوع دانسته می‌شود که در زیرمؤلفه کارکردنمایی، دو شغل کارگر و دهقان بیشترین بسامد را داشته است که بیانگر نگاه اجتماعی شاعر به قشر ضعیف و توده مردم عصر خود بوده است. در زیر مؤلفه هویت‌نمایی، هویت‌نمایی مقوله‌ای بیشترین کاربرد را داشته و فرخی در ارزش‌گذاری منفی از صفاتی چون: منفعت‌جو، مفسد‌جو، خائن و ... استفاده کرده است. ارزش‌گذاری مثبت نسبت به ارزش‌گذاری منفی کاربست اندکی داشته است که بیانگر اوضاع بد جامعه و نگاه منفی به طبقه حاکم است. این‌گونه ارزش‌گذاری علاوه بر اینکه نمایانگر نظرگاه فرخی درباره جامعه است تأثیر به‌سزایی در آگاه ساختن مردم زمانه داشته است.

در نهایت با بررسی مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی و میزان و نوع کاربرد این دو مؤلفه این نتیجه به دست می‌آید که استفاده از این دو مؤلفه در اشعار سیاسی-اجتماعی فرخی متأثر از نظرگاه اجتماعی این شاعر مردمی و واکنشی خاص نسبت به اوضاع زمانه بوده است. همچنین آشکار می‌شود هنگامی که شاعر می‌خواهد کارگزاران اجتماعی را با مشکلات مشترک نمایش دهد، از کارکردنمایی استفاده می‌کند و در مقابل، هنگامی که از نام‌دهی استفاده می‌کند، صاحبان قدرت و مسببان اوضاع بد جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد. دولتمردان، اربابان، مالکان، نمایندگان و درباریان، کارگرانی هستند که در شعر فرخی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

نوع ارزش‌گذاری به کار رفته در اشعار این شاعر، بیشتر ارزش‌گذاری منفی است که نسبت به طبقه مرفه و قدرتمند جامعه بیان شده است. فرخی یزدی در اشعارش از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ارزش‌گذاری و هویت‌نمایی مقوله‌ای، بیشترین بهره را برده است؛ بنابراین، تمایل فرخی بر این است که انتقادات خود را در لفافه و بدون مقابله مستقیم ذکر کند و جانب احتیاط را رعایت نماید. وی متناسب با وضعیت اجتماعی عصر و خفقان سیاسی حاکم بر جامعه کمتر از مؤلفه‌های صریح استفاده کرده است و اشعار خود را برای آگاه کردن مردم از شرایط روزگار و بیدار کردن آنها سروده است و فساد و بی‌لیاقتی طبقه قدرتمند را به نمایش گذاشته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد با اینکه فرخی یزدی به پوشیده‌گویی تمایل بیشتری دارد و ارزش‌گذاری منفی بیشترین بسامد را در اشعار او داراست اما با انتقاد از ارکان اصلی قدرت چون شاه، روحانیون و دربار مقداری به صراحت کلام خود افزوده است.

منابع

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵)، *از صبا تا نیما*، ج ۳، چ ۶، تهران، زوار.

- آزند، یعقوب (۱۳۸۴)، *تجدد ادبی در دوره مشروطه*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۴)، *یا مرگ یا تجدید*، تهران، فصل کتاب.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، علمی و فرهنگی.
- اکبری، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۸)، «بازنمایی کنش‌گران اجتماعی داستان آب بید با بهره‌گیری از الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال ۷، ش ۲۵، ۱۷-۳۳.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۳)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران، علمی و فرهنگی.
- پنیکوک، الستر (۱۳۷۸)، «گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر»، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، *علوم سیاسی*، سال اول، ش ۴، ۱۱۸-۱۵۷.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۸)، «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال ۱۲، ش ۱۲۷، ۵۱-۷۳.
- داوری اردکانی، رضا و همکاران (۱۳۹۱)، *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*، تهران، هرمس.
- رحیمیان، جلال و سمیه جوکار (۱۳۹۴)، «تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک‌الشعرا بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، *شعرپژوهی (بوستان ادب)*، سال ۷، ش ۲۴، ۱۱۱-۱۳۴.
- حیدری تبریزی، حسین و سیدآیت‌الله رزمجو (۱۳۸۴)، «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)*، ش ۱۹۵، ص ۱-۴۸.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۶۹)، *چهار شاعر آزادی*، تهران، نگاه.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۷)، *قدرت، گفتمان، زبان*، تهران، نشر نی.
- شریف، مریم و لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۹۳)، «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار»، *شعرپژوهی (بوستان ادب)*، سال ۶، ش ۲، ۶۷-۸۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران، سخن.
- _____ (۱۳۹۸)، *با چراغ و آینه*، تهران، سخن.
- صاحبی، سیامک و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۶، ۱۰۹-۱۳۳.
- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های جامعه‌شناختی داستان بهرام گور و سنگل هند در شاهنامه فردوسی براساس الگوی گفتمان‌شناسی انتقادی ون لیوون»، *مطالعات شبه قاره*، سال ۱۰، ش ۳۴، ۱۶۷-۱۹۰.
- صبور، داریوش (۱۳۸۲)، *برکران بی‌کران* (نگاهی به شعر فارسی معاصر)، تهران، سخن.
- عسگری، مهرناز و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز دیوان خروس لاری از ابوالقاسم حالت و مجموعه آثار محمدعلی افراشته براساس الگوی ون لیوون»، *پژوهش‌های ادبی*، سال ۱۶، ش ۶۴، ۵۷-۸۸.
- غلامعلی‌زاده، خسرو و همکاران (۱۳۹۶)، «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی در داستان آل براساس الگوی ون لیوون»، *جستارهای زبانی*، ش ۷، ۷۱-۸۹.
- فاضلی، مه‌بود و مهرناز عسگری (۱۴۰۱)، «تحلیل انتقادی گفتمان آثار دوره پس از انقلاب اسلامی چهار طنزپرداز زن براساس الگوی ون لیوون (رباب تمدن، آذر دخت بهرامی، رؤیا صدر و نسیم عرب‌امیری)» *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۱، ۱-۲۵.
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۰)، *دیوان*، چاپ حسین مکی، تهران، بنیاد نشر کتاب.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و همکاران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

- میلز، سارا (۱۳۹۶)، گفتمان، ترجمه فتح محمدی، زنجان، هزاره سوم.
 یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران، هرمس.
 _____ (۱۳۸۵)، ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران، هرمس.
 یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان چیست؟»، تحقیقات روابط عمومی، س ۱۰، ش ۶۰، ۵۸-۶۴.

References

- Aghagolzadeh, F. (2007). *Critical Discourse Analysis*. Tehran. Elmi Farhangi (In Persian)
- Ajudani, M. (2005). *Death or Modernity*. Tehran. Fasle Ketab Publication. (In Persian)
- Akbari, H. et al. (2019) " The Representation of Social Sctors in The Story of Ab-Bid Based on Van Leeuwen's Socio-Semantic Model". *Journal of Western Iranian Language and Dialects*. 7(25). pp. 17-33. Doi: 10.22126/JLW.1970.1070. (In Persian)
- Aminpour, Q. (2013). *Tradition and Innovation in Contemporary Poetry*. Tehran. Elmi Farhangi. (In Persian)
- Arianpour, Y. (1996). *from Saba to Nima*. vol. 3. edition 6. Tehran. Zovar. (In Persian)
- Asgari M, et al. (2019). "Critical Discourse Analysis of Two Satirical Works "Book of Poems of Khoroose Lari" by Abolghasem Halat and "The Collection of Works of MohammadAli Afrashteh" Based on Van Leeuwen's Model. *Literary Research*. 6 (64) 57-88. (In Persian)
- Azhand, Y. (2004). *Literary Modernity in the Constitutional Period*. Tehran. Humanities Research and Development Institute. (In Persian)
- Davari Ardakani, R. et al. (2011). *Metaphorical Language and Conceptual Metaphors*. Tehran, Hermes. (In Persian)
- Fairclough, N (2000). *Critical Discourse Analysis*, Translated by Shayeste Piran.F et al. Tehran. Center of Research and Development Media. (In Persian)
- Farrokhi Yazdi, Mohammad (1981). *Book of Poems*. Makki,H. Tehran. Bonyade Nashre Ketab. (In Persian)
- Fazeli, M & Asgari,M. (2022)" Critical Discourse Analysis of the Works of the Post-Islamic Revolution Period by Four Female Satirists (Robab Tamadon, Azardokht Bahrami, Roya Sadr, and Nasim Arab Amiri) Based on Van Leeuwen Model". *Woman in Culture and Arts*. 14(1). 1-25. doi: 10.22059/jwica.2022.333415.1714. (In Persian)
- Gholamalizadeh, K. et al (2018). "The Nomination and Categorization of Social Actors in "AI" Based on Van Leewen's Model". *Language Related Research*. vol (7) pp:71-89. (In Persian)
- Heydari Tabrizi, H. & Razmjoo, A. (2005), "Methods of Depicting Social Agents in Persian Discourse: a Descriptive Analysis of Discourse with Regard to Socio-Cognitive and Semiotic Components", *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences (Tabriz)*. vol. 195. 1-34. (In Persian)
- Jaworski, Adam & Nikolas Coupland (1999), *The Discourse Reader*. London and New York: Routledge.
- Mills, S (2017), *Discourse*, Translated by Mohammadi,F. Zanjan. Hezareh Sevvom. (In Persian)
- Pahlavannejad, M et al.(2009). "The Representation Methods of Social Actors in the Journals of the Conditional Era Critical Discourse Analaysis Based on the Socio-semantic Features", *Specialized Journal of Linguistics and Khorasans Dialects*, 12(127). 51- 73 . (In Persian)
- Pennycook, E. (1999). "Incommensurable Discourses". Translated by Soltani, A. *Political Sciences*. 1(4). 118-157 .(In Persian)

- Rahimian, J. & Jokar, S (2014). "A Representation of Social Actors in Bahar Critical Poems Based on Critical Discourse Analysis Approach". *Poetry Studies (Bostan Adab)*. 7(24). pp. 111-134. Doi: 10.22099/JBA.2015.2576. (In Persian)
- Richards. J. J. Platt and H. Weber (1985), *Longman Dictionary Of Applied Linguistics Harlow*: Longman.
- Sabour, D. (2003). *Bar Karane Bi Karan*. Tehran.Sokhon. (In Persian)
- Sadeghi, H et al. (2017), " Socio Featuresin the Story of Bahram-e Goor and Shangol-e Hend in the Ferdowsi's Shahnameh (According to Van Leeuwen Critical Discourse Pattern)", *Subcontinent Studies*, 10 (34), 167-190 . doi:0.22111/jsr.2018.4069. (In Persian)
- Sahebi, S. et al. (2010). "Critical Study of the Validity of Golestan Based on the Theory of Critical Discourse Analysis", *Scientific Research of Persian Language and Literature* . Vol. 16. Pp109-133.. (In Persian)
- Sepanlu, M. (1990). *Four Poets of Freedom*. Tehran. Negah. (In Persian)
- Shafiei Kadkani, MR. (2000), *Persian Poetry Periods from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy*, Tehran, Sokhon. (In Persian)
- (2019), *Ba Cheragh va Ayeneh*, Tehran, Sokhon. (In Persian)
- Sharif, M. & Yarmohammadi, L (2013). "A Critical Discourse Analysis of Khayam's Quatrains with References to Socio-semantic Discursive Features", *Poetry Research (Bostan Adab)*, 6(2). pp. 67-82. Doi: 10.22099/jba.2014.1952. (In Persian)
- Soltani. A. (2004). *Power, Discourse and Language*. ۳th edition. Tehran: Ney. (In Persian)
- Van Leeuwen, Theo (1996), *The Representation Of Social Actors*; Edited by Carmen Rosa Caldas-Coulthard & Malcom Coulthard; *Texts and Practices: Readings in CDA* ; First Published, Londen: Routledge. 1996
- Yarmohammadi, L (2004). *Current and Critical Discourse Studies*. Tehran. Hermes. (In Persian)
- (2006). *Communication From The Perspective of Critical Discourse*. Tehran. Hermes. (In Persian)
- Yahyaiei eilaei, A (2018), "What is discourse analysis?". *Public Relations Research*. 10(60) 64-58. (In Persian)